

پیشگفتار

هدف از نگارش این کتاب معرفی کودکان عقب‌مانده ذهنی به افرادی است که به نحوی با این‌گونه کودکان سروکار دارند، مانند معلمان مدارس، مشاوران، روانشناسان، پرستاران روانی، مددکاران اجتماعی، والدین و نیز دانشجویان رشته‌های مختلف روانشناسی، توانبخشی و

متخصصان مختلف برای تشخیص ویژگیهای روانی و ارائه آموزش مطلوب و مناسب کودکان عقب‌مانده ذهنی، باید با همکاری و همفکری یکدیگر و نیز با کمک والدین، هرکدام نقش مؤثر خود را در شناخت و نیز فراهم سازی محیطی سالم، غنی و درخور ویژگیهای جسمی، ذهنی و رفتاری این کودکان ایفا کنند. در نگاهی به گذشته، در جوامع مختلف ملاحظه می‌شود که چگونگی برخورد و نگرش انسانها نسبت به مسأله کودکانی که دچار اشکالات ذهنی هستند، به شرایط و آگاهیهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مذهبی و اخلاقی مردم آن جامعه بستگی دارد؛ اما به طور کلی از نظر تاریخی، بشر از سه مرحله فکری متفاوت نسبت به این کودکان گذشته است. در مرحله اول این قبیل کودکان به طرق مختلف از بین برده یا از اجتماع طرد می‌شدند، در مرحله دوم به این کودکان با دید ترحم و حمایت می‌نگریستند و در مرحله سوم یعنی در سالهای اخیر، پذیرش کودکان استثنایی در جامعه کنار دیگر کودکان و استفاده از تواناییهای بالقوه آنان مطرح شده است. این تفکر که کودکان عقب‌مانده ذهنی همانند سایر دانش‌آموزان به آموزش و پرورش در محیطی عادی و همراه با همسالان سالم خود نیاز دارند، بسیار جدید است. باید در نظر داشت که کودکان عقب‌مانده ذهنی قبل از اینکه استثنایی باشند، بشرند و نظیر سایر افراد احتیاجاتی دارند. قوانین باید به گونه‌ای تهیه و تنظیم شود که امکانات موجود در جامعه برای تمام افراد بویژه افراد عقب‌مانده ذهنی قابل دسترس باشد.

باید به این نکته نیز توجه داشت که بسیاری از یافته‌های علمی بشر در زمینه‌های مختلفی، مانند ژنتیک، مغز و اعصاب، ارتوپدی، رشد و توسعه آزمونهای ذهنی و فرافکن، درک تفاوت‌های بین‌فردی و درون‌فردی، چگونگی مشاهده و ثبت رفتارها، قوانین مربوط به تغییر و اصلاح رفتارها، روشهای مختلف تدریس با توجه به وضعیت حواس، ادراک و شناخت کودکان، چگونگی فراهم‌سازی محیط برای داشتن بهترین بازده آموزشی و ... حاصل وجود کودکان استثنایی از جمله کودکان عقب‌مانده ذهنی است که حل مشکلات و معضلات آنان، انسان را ناچار به تفکر و ابداع کرده است.

تربیت دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی، به مربیان و مشاوران ورزیده و آشنا با دشواریهای این‌گونه شاگردان احتیاج دارد. اخیراً در کشور ما به این‌گونه آموزش اهمیت داده و تعداد مراکز و مؤسسات و همچنین متخصصان این رشته روز به روز بیشتر شده است. باید اعتراف کنیم، راه درازی در پیش داریم که بپیماییم و جاده‌ای ناهموار که هموار نماییم؛ ولی روزنه‌های امید از انتهای جاده سوسو می‌زنند و ما را در این راه تشویق و امیدوار می‌کنند.

با آرزوی خوشبختی برای تمام بندگان خداوند یکتا

دکتر مریم سیف نراقی

دکتر عزت الله نادری